

چکیده

حاشیه‌نشینی به عنوان یکی از بسترهای وسیع جهت بروز آسیب‌های اجتماعی بوده که همراه با گسترش آن شاهد افزایش ناامنی، بزه و انواع مختلف جرم و جنایت و خشونت در جامعه می‌باشیم. ایجاد سکونت‌گاه‌های غیررسمی نتیجه منطقی تمرکز و توزیع ناعادلانه موقعیت‌های شغلی و ثروت بوده و سیاست‌های پنجاه سال اخیر که عمدتاً مبتنی بر نظریات قطب‌رشد و تمرکز اتخاذ شده دلیل عمده بروز این پدیده می‌باشد. این سکونت‌گاه‌ها در درون خود به بازتولید آسیب‌های اجتماعی می‌پردازند. نوع آسیب‌های اجتماعی تولید شده در این مناطق با کیفیت مسکن ارتباط مستقیم دارد. مسکن ساخته شده در این سکونت‌گاه‌ها عمدتاً همراه با تصرف عدوانی و یاساخت و ساز غیر مجاز بوده و فاقد ایمنی لازم می‌باشند. بافت اکثر این مکان‌ها ریزدانه و فاقد دسترسی مطلوب به تأسیسات شهری است. این موارد زمینه را برای انحرافات اجتماعی و کجروی‌ها مطلوب می‌نماید.

کلید واژه‌ها: سکونت‌گاه غیررسمی، آسیب اجتماعی، کجروی.

مقدمه

بررسی جابه‌جایی‌های جمعیت در مناطق کلانشهری کشورهای در حال توسعه طی دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که در این کشورها، برخلاف کشورهای صنعتی و توسعه یافته، به جای اقبال متوسط، این گروه‌های کم درآمد هستند که تحرک قابل ملاحظه‌ای از نظر محل سکونت دارند. این گروه‌ها شهرهای بزرگ را، به دلیل بالا بودن هزینه مسکن، ترک و ناگزیر در نقاط تجهیز نشده و ارزان پیرامون شهر سکونت می‌کنند.

به این ترتیب کلانشهرهای جنوب با تمرکز فقر در مناطق پیرامون خود و حاشیه‌نشینی گسترده گروه‌های کم درآمد در کنار حومه‌نشینی محدود اقبال میانی مواجهند.

گسترش بازار غیررسمی زمین و مسکن و اسکان پراکنده جمعیت در آبادی‌ها و شهرک‌های خودرو، گرچه معمولاً به بهبود نسبی شاخص‌های مسکن خانوارهای کم درآمد می‌انجامد، اما میزان محرومیت از حداقل زیرساخت‌ها و خدمات شهری را افزایش می‌دهد و هزینه مدیریت شهری را برای سامان دهی به سکونت‌گاه‌های غیررسمی و بهبود شرایط زیست آنها بالا می‌برد. (خاتم، اطهاری، ۱۳۸۶، ص ۳۵ و ۳۶) هزینه‌های جانبی مدیریت شهری در خصوص عملکرد این سکونت‌گاه‌ها که به خاطر ساختار خود به باز تولید آسیب‌های اجتماعی پرداخته و باعث بروز ناامنی برای مجموعه شهر می‌شود بسیار بالاتر از هزینه‌های سامان‌دهی آن می‌باشد. لذا ارایه سیاست‌های کلی و عزم ملی جهت برخورد و رویکرد مناسب با این پدیده نیازمند بررسی و مطالعه همه‌جانبه می‌باشد.

تعریف حاشیه‌نشینی

حاشیه‌نشینی با اصطلاحات دیگری مانند سکونت‌گاه‌های غیررسمی،^(۱) سکونتگاه‌های افراد کم درآمد،^(۲) سکونتگاه‌های نیمه دائم و موقتی،^(۳) سکونتگاه‌های آلونکی،^(۴) سکونتگاه‌های خودرو،^(۵) سکونتگاه‌های برنامه‌ریزی نشده،^(۶) سکونتگاه‌های کنترل نشده،^(۷) سکونتگاه‌های حاشیه‌نشین،^(۸) سکونتگاه‌های نابهنجار یا نابسامان^(۹) و زاغه‌نشین‌ها^(۱۰) و... نامیده می‌شود.

چارلز ابرامز کارشناس معروف مسکن از مفهوم زاغه‌ها و مناطق حاشیه‌نشین تعبیری به این شرح ارائه می‌دهد:

ساختمان و یا بخشی از شهر که در آن ویرانی، نارسایی عرضه خدمات درمانی، تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوامل طبیعی دیده می‌شود، می‌تواند به عنوان زاغه و یا منطقه حاشیه‌نشین معرفی گردد. آقای شکونی در تحقیق

نقش

حاشیه‌نشینی

در بروز

آسیب‌های

اجتماعی

حمید بحیرایی

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری

دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

احمد اسدی

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری

دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

در این مورد گفته است که در کشورهای در حال توسعه و یا در کشورهایی نظیر ایران که در یک مرحله خاص انتقالی قرار گرفته‌اند، مراد از منطقه حاشیه‌نشین شهرها عبارت خواهد بود از:

۱- منطقه واحدهای مسکونی رو به ویرانی، فرسوده و با تجهیزات ناقص در حاشیه شهرها

۲- تسلط فرهنگ فقر در منطقه.

۳- جدائی گزینی توده‌ای مردم روستایی از جامعه شهری.

۴- شهرکهای چسبیده به شهر با مواد و مصالح کم دوام ساختمانی

۵- گوشه‌گیری مردم منطقه از زندگی شهری.

۶- مهاجرت و سکونت بخشی از مردم روستاها در حاشیه شهرها

در تعریف دیگری گفته شده که حاشیه‌نشین به مفهوم کلی به کسی گفته می‌شود که در شهر سکونت دارد ولی به علل گوناگون نتوانسته است جذب نظام اقتصادی شهر شود و از خدمات شهری استفاده کند. (دهاقانی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۹)

شهرها به دلیل وجود فرصتهای اشتغال، مهاجران روستاها و سایر سکونتگاههای کوچک‌تر از خود را جذب می‌کنند. همین فراوانی تقاضا برای شهرنشین شدن از سوی نورسیدگان ظرفیت پذیرش اقتصادی - اجتماعی شهرها را لبریز می‌کند و باعث ایجاد نوعی جدید از نابرابری در داخل فضای شهری می‌گردد. جدایی اصلی در واقع بین جمعیت پذیرفته نشده در نظام شهری (مشاغل موقتی و حاشیه‌ای) از سویی و جمعیت ادغام شده به لحاظ اقتصادی و اجتماعی از سوی دیگر است. این جدایی در فضاهای به اصطلاح شهری شده انعکاس ویژه و دیدنی دارد. فضاهایی که حاصل اشتغال اراضی غیرآماده به وسیله مهاجران پذیرفته نشده است. این مهاجران قادر به پرداخت اجاره بها نیستند و اغلب در شرایط اسفناکی زندگی می‌کنند. بدین ترتیب در شهرها به ویژه شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه به سبب کمبود یا فقدان زمین‌های کافی به منظور خانه‌سازی برای طبقات فقیر و کم‌درآمد شهری، بیشتر آنها به دامنه‌های پرشیب دره‌ها و دشت‌های سیلابی یا به زمین‌های مجاور صنایع آلوده‌ساز و خطرآفرین پناه می‌برند تا با مواد و مصالح ساختمانی کم دوام، خانه‌های محقر خود را بنا کنند. از این رو شهرهای جهان سوم همواره به دوگانگی کشیده می‌شوند: یکی شهر قانونی که زمین واحدهای مسکونی آن بر مبنای قوانین و مقررات جاری تهیه شده است و دیگری شهر غیرقانونی که زمین و واحدهای مسکونی آن به صورت تصرف عدوانی و غیرقانونی اشتغال گردیده است و بیشتر منطقه حاشیه‌نشین و آلونک‌نشین شهرها را شامل می‌شود. (حاتمی‌نژاد، ۱۳۸۲، ص ۲۱) سکونت‌گاه خودرو شکلی از اسکان است که دارای یک یا مجموعه‌ای از ویژگی‌های زیر می‌باشد:

الف) با تکیه بر حرکت خودجوش و خودانگیخته مردم (ساکنان) شکل گرفته و متکی بر خواست، انگیزش آنها و مبتنی بر توان و امکانات آنها می‌باشد.

ب) بدون نظارت، کنترل و مدیریت رسمی دولت و نهادهای عمومی شکل گرفته و سریعاً رشد کرده باشد.

ج) با توجه به ویژگی خودرو و بی‌برنامگی رشد و دگرگونی،

سکونت‌گاه‌ها از جهت تأمین خدمات و زیربنای چهار ضلعی و در حداقل خدمات و امکانات زیستی به سر می‌برند.

د) تملک و تصرف زمین و نیز نحوه تفکیک و استفاده از زمین خارج از چارچوب‌های معمول و متعارف رسمی و قانونی و بدون گرفتن مجوزهای لازم از نهادها و دستگاه‌های رسمی پذیرفته باشد.

ه) ساخت و ساز و تأمین زیرساختها و خدمات با نقض قوانین و مقررات موجود و رسمی صورت گرفته باشد.

و) شکل‌گیری و دگرگونی آنها مبتنی بر طرح و برنامه از پیش اندیشیده نباشد و بلکه مبتنی بر ساخت اجتماعی و فرهنگی سکونت‌گاه در مراحل مختلف شکل‌گیری و دگرگونی باشد. (شیخی، ۱۳۸۵، ص ۷۹)

در این مناطق مسکونی که از نظر فیزیکی و اجتماعی رو به زوال می‌رود، رضایت زندگی خانوادگی ناممکن است. شرایط بد مسکن و زیرساختهای شهری نامناسب از ویژگی‌های عمده چنین سکونتگاه‌هایی است. از زمان تشکیل بعضی از حاشیه‌های محروم بیش از ۵۰ سال می‌گذرد و بعضی دیگر زمین‌هایی هستند که در شرف هجوم واقع شده‌اند. شرایط این مناطق در موارد زیر در حال بدتر شدن است:

۱- متوسط سن افراد شهر در حال افزایش است در حالی که در حاشیه‌ها در حال کاهش می‌باشد، بنابراین جوان بودن جمعیت دردناک‌تر از شرایط بد زندگی در این مکانهاست.

۲- اختلاف قابل ملاحظه میان شرایط زندگی در حاشیه‌ها و سایر مناطق شهری، تشنه‌های اجتماعی را در این مناطق افزایش می‌دهد.

۳- رشد بدون برنامه و بی‌قاعده این سکونتگاه‌ها خدمات رسانی معمول را پیچیده‌تر و دشوارتر کرده است. (هادیزاده‌بزاز، ۱۳۸۲، ص ۱۴ و ۱۵)

افزایش نابرابری‌های اجتماعی که نتیجه شهرنشینی بی‌ضابطه و در حال رشد در جهان می‌باشد به افزایش پدیده حاشیه‌نشینی انجامیده است. به گفته نماینده دفتر هماهنگ کننده سازمان ملل متحد سرعت زاغه‌نشینی در جهان بیشتر از بهبود مناطق شهری است.

در حال حاضر یک میلیارد نفر زاغه‌نشین در جهان وجود دارد که تبعات حضور این تعداد عدم دسترسی ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفر به امکانات بهداشتی، محرومیت ۱۲۱ میلیون کودک شامل ۶۵ میلیون دختر و ۵۶ میلیون پسر از تحصیل، بی‌سوادی ۵۷۵ میلیون زن در جهان، عدم دسترسی ۵۰ درصد زنان کشورهای در حال توسعه به مامای تخصصی و پزشک، دسترسی تنها ۱۴ درصد زنان به کرسی‌های پارلمانی و وجود ۸۰۰ میلیون نفر گرسنه است. (همشهری ش، ۴۱۷۳، ۱۳۸۵/۵/۳)

گونه‌شناسی حاشیه‌نشینی

به طور کلی نحوه شکل‌گیری سکونت در شهرها به ۳ گونه یا گروه طبقه‌بندی می‌شود:

۱- تجاوز خودانگیخته از طریق تصرف زمین پیرامون شهرها توسط جمعیت حاشیه‌نشین.

۲- تجاوز مخفی (قاچاق) یا توسعه خودجوش غیرقانونی.



۳- توسعه غیرمجاز توسط آبادگران اراضی.

نوع تجاوز خودانگیخته، حاکی از اقدام متشکل خانوارهای متعدد در تصرف زمین و ایجاد مسکن (آلونک) در ناحیه‌ای است که مستقر شده‌اند. معمولاً اراضی چنین ناحیه‌ای ملک عمومی (مشاع) مردمانی محسوب می‌شود که به همراه هم اقدام به تصرف آن کرده‌اند. چگونگی تشکیل این سکونت‌گاه‌ها و خصوصیات کالبدی و اجتماعی و فرآیندهای رفتاری آنان به وسیله محققان مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.

در این نوشته‌ها اصطلاح خود جوش را یک اسم بی‌مسما خوانده‌اند، زیرا اغلب توسعه‌های حاشیه‌ای، چه به صورت خودانگیخته و یا به صورت قاچاق، براساس بهترین سازماندهی توسط ساکنان و خویشان آنان شبانه و به طور متشکل، دور از چشم مأموران ساختمان انجام می‌پذیرد.

نوع گستر غیرمجاز اصولاً عبارتست از ساخت و سازهای غیرقانونی از نظر بخش رسمی و مقررات شهرسازی. فرآیند این فعالیت شامل تفکیک غیرقانونی املاک خصوصی پیرامون شهرهاست که اصولاً به هیچ وجه مناسب توسعه شهرسازی نیست و برای آنها طرح شهرسازی ارائه نمی‌شود. علاوه بر این هیچ‌گاه دولت تأسیسات زیربنایی، آب، فاضلاب و برق آنها را تأمین نخواهد کرد، زیرا برپایی آنها از نظر اصولی غیرمجاز و آسیب‌پذیر است.

تفاوت عمده بین تجاوز خودجوش و مخفی با گسترش غیرمجاز این است که زمین توسط بخش خصوصی (مالکان با بنگاه‌های معاملات زمین) تفکیک و از سوی حاشیه‌نشینان آینده خریداری می‌شود. معمولاً این کار توسط آبادگران زمین که ممکن است صاحب قانونی زمین باشند، یا آن را تصرف کرده باشند صورت می‌گیرد. برخلاف تصور عمومی، این اراضی باقیمت بسیار گران به خریداران واگذار می‌شود. علاوه بر بنگاه‌های معاملاتی یا آبادگران، گاهی خود حکومت راه‌حل‌های مشابهی برای اسکان جمعیت‌های تهیدست شهری ابداع می‌کند، از آن جمله است توسعه بر روی اراضی منابع طبیعی یا موقوفه به صورت آماده سازی زمین (در ایران) این راه‌حل مستلزم تلاش بیشتر برای تأمین مالی و اعتبار قانونی است. (دانشنامه مدیریت شهری، ۱۳۸۸، ص ۴۷۲، ۴۷۱)

اگرچه بر مبنای نظریات بررسی شده، سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ای و حاشیه‌نشینی مصادف فقر و نداری، جرم و جنایت و آسیب‌های فراوان اجتماعی و فردی، جرم‌خیزی و نظایر اینها تلقی می‌شد و آنها حتی در برخی نظریات رادیکال مظهر رشد لمپنیسم و طبقات فرودست معرفی شده‌اند، اما رویکرد نظری دوده‌ده اخیر اصولاً به کارکردهای مثبت و نقش در خور تأمل این سکونت‌گاه‌ها در اسکان کم‌درآمدها، نقطه شروع و تجربه آغازین زندگی شهری، ضربه‌گیری در مقابل صدمه‌ها و آسیب‌های احتمالی به کلانشهرها، کمک به تقسیم کار با شهر مادر و مشارکت فضایی با مادر شهر و مانند اینها توجه کرده و راهبردهای توانمندسازی و کمک به ساکنان برای ارتقای وضعیت محیط مسکونی‌شان را در دستور کار قرار داده‌اند.

این سکونت‌گاه‌ها که زمانی آلونک‌نشینان درون کلانشهرها را تشکیل می‌دادند امروزه به صورت مجموعه‌های زیستی - فعالیتی مستقل از شهر

مادر در منطقه کلانشهری نقش و جایگاه خود را تثبیت کرده و به رسمیت شناخته‌اند. آنها به تدریج سازمان اداری - سیاسی مستقل خود را پیدا می‌کنند، به جذب عناصر شهری می‌پردازند، و نهایتاً به مرحله‌ای از رشد می‌رسند که در تقسیم کار با شهر مادر شرکت می‌جویند و در منطقه کلانشهری نقش و جایگاه خود را تثبیت می‌کنند. سکونت‌گاه‌های خودرو و پیرامون کلانشهرهای ایران به ویژه تهران با توجه به ویژگی و شرایط پیش گفته، دارای ویژگی‌ها و مشخصاتی متمایز از سایر کشورهای توسعه نیافته هستند. (شیخی، ۱۳۸۵، ص ۸۳)

تعریف آسیب اجتماعی

آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که در چارچوب اصول اخلاق و قواعد عام عمل جمعی رسمی و غیررسمی جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبه‌رو می‌گردد. به همین دلیل کجروان سعی دارند کجرویهای خود را از دید قانون، اخلاق عمومی و نظم اجتماعی پنهان نمایند زیرا در غیر این صورت با پیگرد قانونی، تکفیر اخلاقی و طرد اجتماعی مواجه می‌شوند. (ستوده، ۱۳۸۴، ص ۱۹)

کجروی را می‌توان ناهمنوایی با هنجار یا مجموعه هنجارهای معینی تعریف کرد که توسط تعداد قابل ملاحظه‌ای از مردم در اجتماع یا جامعه‌ای پذیرفته شده است. هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان به سادگی به کسانی که از هنجارها منحرف می‌شوند و کسانی که با آنها همنوایی می‌کنند تقسیم کرد. (گلدنز، ۱۳۸۷، ص ۱۴۹)

در واقع کجروی نتیجه تعاریف اجتماعی و موازین و مقررات اخلاقی است که به وسیله سایرین بر فرد تحمیل می‌شود. برای شناخت ماهیت کجروی باید نظم اجتماعی را دقیقاً بررسی نموده و عوامل کجروی را در نظم اجتماعی جستجو کرد.

مسئله‌ای را که باید مورد توجه قرار دهیم این است که هر کس فعالیتهای اجتماعی خود را به پیروی از فعالیتهای دیگران انجام می‌دهد و تلاش دارد خود را با سایرین منطبق سازد، بالتبیه تئوری‌هایی که مربوط به کجروی افراد است عموماً به مجموعه‌ای از کنش‌های متقابل اجتماعی افراد ارتباط پیدا می‌کند، بنابراین برای شناخت کجروی‌ها در ابتدا باید ساخت و ماهیت مفاهیم اخلاقی جامعه را بررسی کرد و کیفیت اخلاق جامعه را در وهله نخست از مشاهدات فرد و طرز تلقی او از اعمال و کنش‌های دیگران باید جستجو کرد. (فرجاد، ۱۳۸۳، ص ۲۴ و ۲۳)

در بعضی جوامع که در آنها دامنه گسترده‌ای از آزادیهای فردی شناخته شده است و فعالیت‌های کجروانه تحمل می‌شود (مانند هلند) میزان جرایم خشن اندک است.

برعکس، کشورهایی که دامنه آزادی فردی در آنها محدود است (مانند آفریقای جنوبی) ممکن است سطح بالایی از خشونت را نشان دهند. جامعه‌ای که نسبت به رفتار کجروانه تحمل نشان می‌دهد دچار شکاف اجتماعی نمی‌گردد. اما دستیابی به این امر احتمالاً هنگامی ممکن است که

بررسی شیوه‌های باز پذیری اجتماعی. (ستوده، ۱۳۸۴، ص ۲۰ و ۲۱)

گونه‌شناسی آسیب‌های اجتماعی

در گونه‌شناسی آسیب‌های اجتماعی از ملاک‌های متفاوت می‌توان استفاده نمود. این ملاکها در هر جامعه‌ای حداقل چهار خرده نظام فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اختصاص دارند که در هر یک از این حوزه‌ها کنشگران فردی و جمعی می‌توانند با رعایت اصول و قواعد عمل جمعی مورد قبول در آن حوزه‌ها به چهار نوع سرمایه یا منبع ارزشمند - سرمایه فرهنگی یادانش، سرمایه اجتماعی یا تعهد و منزلت، سرمایه سیاسی یا قدرت و سرمایه اقتصادی یا ثروت - مورد نیاز هر جامعه دست یابند. (ستوده، ۱۳۸۴، ص ۱۹).

ارتباط حاشیه‌نشینی با آسیب‌های اجتماعی

در فرهنگ شهر و شهرنشینی، حاشیه‌نشینی تا حدود زیادی مترادف با مفاهیمی چون زاغه‌نشینی و آلونک‌نشینی به کار برده شده است. از لحاظ فرهنگی انزوایی، احساس غریبه بودن و بیگانگی، از لحاظ روانی، پریشانی و تقدیرگرایی، از لحاظ اقتصادی فقر، اشتغال در بخش غیررسمی و بی‌ثباتی شغلی، از لحاظ بهداشتی - درمانی، آب شرب و از لحاظ اجتماعی، هویت قومی، پایبندی به سنت‌ها و ارزش‌ها، خانواده گسترده و فقدان تخصص، بی‌سوادی و کم سوادی، درآمد پایین و به خصوص فرهنگ مستقل حاشیه‌نشینی از ویژگی‌های اجتماعات حاشیه‌نشینان است که در مناطق مختلف دیده می‌شود. (همشهری، ش ۴۱۷۳، ص ۱۶)

توزیع نابرابر امکانات در سطح جامعه به باز تولید حاشیه‌نشینی منجر می‌شود. اقتصاد تک محصولی و اتکای بیش از حد به درآمدهای نفتی از عوامل دیگر باز تولید حاشیه‌نشینی می‌باشد.

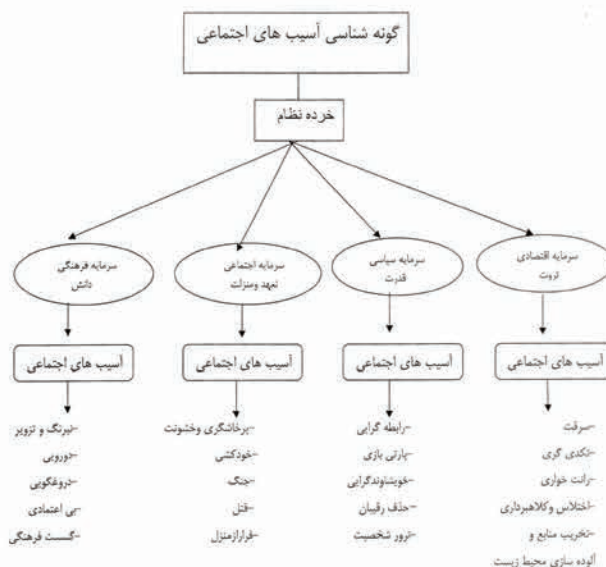
علت نابرابری در توزیع امکانات در سطح جامعه که باعث بروز اختلاف در نحوه سکونت حاشیه‌نشینان با دیگر انواع سکونت شده است به سیستم فنی یا تفکیکی مسلط بر کل جامعه بازمی‌گردد.

تکنولوژی (فناوری) حاکم بر جامعه، امکانات موجود را به گونه‌ای توزیع کرده است که عده‌ای قادر به سکونت در شهر، عده‌ای در روستا و عده‌ای دیگر در زاغه‌ها شده‌اند... اگر در تکنولوژی حاکم بر جامعه، ویژگی نابرابری وجود داشته باشد، امکانات به طور نابرابر توزیع می‌شوند و در نتیجه شیوه‌های سکونت افراد مختلف جامعه با یکدیگر تفاوت می‌یابند از این روی می‌توان نتیجه گرفت که حاشیه‌نشینی معلول وجود ویژگی نابرابر در سیستم تکنولوژی حاکم بر جامعه است.

اگر روابط اجتماعی در یک جامعه خصلتاً تمرکزگرا باشد، تکنولوژی اجتماعی را نیز به شکل متمرکز تنظیم کرده و به همین نحو به کار می‌گیرد و به این ترتیب توزیع امکانات به صورت تمرکزی و یا به عبارت دیگر توزیع امکانات به صورت قطبی مراکزی را ایجاد می‌کند که از امکانات فراوانی برخوردارند و در مقابل نقاطی پدید می‌آیند که از امکانات بسیار اندکی بهره‌مند می‌باشند. به این ترتیب اختلاف بین سکونتگاه‌های مختلف به

آزادیهای فردی با عدالت اجتماعی همراه گردد. در یک نظم اجتماعی که نابرابری‌ها به طور آشکار بزرگ نیستند و فرصت زندگی کامل و رضایت‌بخش برای همه به طور کلی وجود دارد. اگر آزادی با برابری هماهنگ نگردد و اگر بسیاری از مردم زندگی خود را تا حد زیادی تهی از ارضای شخصی بیابند، بسیار محتمل است که رفتار انحرافی متوجه هدفهایی گردد که از نظر اجتماعی ویرانگر است. (گیدنز، ۱۳۸۷، ص ۱۸۷)

در واقع آسیب‌شناسی اجتماعی مطالعه ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی نظیر بیکاری، فقر، اعتیاد، خودکشی، روسپی‌گری، رشوه‌خواری، ولگردی، زورگیری، گدایی و... همراه با علل و شیوه‌های پیشگیری و درمان آنها و نیز شرایط بیمارگونه اجتماعی است.



گونه‌های آسیب‌های اجتماعی (ستوده، ۱۳۸۴، ص ۲۰)

هدف‌ها و مقاصد آسیب‌شناسی اجتماعی را می‌توان چنین برشمرد:

۱- مطالعه و شناخت آسیب‌های اجتماعی و علل و انگیزه‌های پیدایی آنها و نیز بررسی شخصیت کز رفتار، ویژگی‌های جسمانی، روانی، فرهنگی و اجتماعی آنان، شناخت درست دردها و آسیب‌ها، نخستین شرط چاره‌جویی و بیش از نیمی از درمان است، درد تشخیص نداده را درمان نتوان کرد زیرا هرگونه ساختن بدون شناختن تیر در تاریکی رها کردن است.

۲- پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به منظور بهسازی محیط زندگی جمعی و خانوادگی، از آنجا که پیشگیری همواره ساده‌تر، عملی‌تر و کم‌هزینه‌تر از درمان است دارای اهمیت بسیار می‌باشد.

۳- درمان آسیب‌دیدگان اجتماعی با به کارگیری روشهای علمی و استفاده از شیوه‌های مناسب برای قطع ریشه‌ها و انگیزه‌های آنان.

۴- تداوم درمان برای پیشگیری و جلوگیری از بازگشت مجدد کز رفتاری و

فراهم می‌آورد. وجود مهاجران روستایی و وجود تنوع فرهنگی را نیز باید به عوامل فوق افزود. به دلیل جابه‌جایی و تحرک زیاد مهاجران، تنوع فرهنگی و فقدان نظارت‌های اجتماعی محلات حاشیه‌نشین در معرض آسیب‌های اجتماعی بیشتری قرار دارند. (حاتمی، ۸۷، ص ۱۴)

کورنلیوس وین سه فرآیند احتمالی ایجاد خشونت‌های شهری را با منشاء مهاجرت روستایی توصیف می‌کند که در سه شکل زیر مشاهده می‌شوند:

مهاجرت شتاب‌زده از شهر به روستا «احساس محرومیت نسبی»
فعالیت رادیکال سیاسی «خشونت»
(فرآیند خشونت شهری نمونه ۱)

مهاجرت شتاب‌زده روستا به شهر «در هم شکستن گروه نخستین»
(تعارض فرهنگی) «سردرگمی و ناهنجاری در مهاجران» «جنبش‌های رادیکال خشونت‌آمیز»
(فرآیند خشونت شهری نمونه ۲)



فرآیند خشونت شهری نمونه ۳

عوامل توجیه‌کننده خشونت

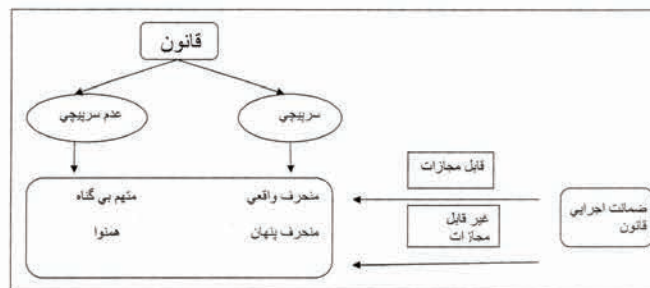
- ۱- فقر و شرایط نامساعد مادی زندگی، بیکاری، نبود امکانات لازم برای پر کردن اوقات فراغت.
- ۲- کمبود آموزش و نقصان در فرآیندهای اجتماعی کردن، کمبود چارچوب‌های مراقبت و رسیدگی خانوادگی
- ۳- فشارها و سوء استفاده‌های جنسی
- ۴- انباشت‌های جمعیتی، کمبود فضاهای زیستی، همجواری‌های نامطلوب و در هم ریختگی بافت‌ها و ارزشهای اجتماعی
- ۵- تعارض‌های طبقاتی، قومی، جنسی، سنی، فرهنگی و...
- ۶- کمبود یا نقصان فرایندهای شکل‌گیری هویت و تعلق اجتماعی.
- ۷- عارضه‌ها و بیماری‌های روانی و جسمانی، اعتیاد به مواد مخدر و الکل
- ۸- طراحی ناصحیح شهری، مسکن‌های نامناسب، انفراد و افسردگی ناشی از زیست در محیط‌های خشک و سرد، شهرک‌های خوابگاهی، کمبود فضاهای درونی، آلودگی‌های صوتی و زیست بومی که سلامت جسمانی و روانی افراد را تهدید می‌کند.
- ۹- اضطراب‌های ناشی از شرایط سخت کار و ناپایداری عدم امنیت شغلی، شکنندگی شرایط زندگی.
- ۱۰- سوء استفاده از قدرت در نهادهای رسمی و در نتیجه بی‌اعتمادی به نهادهای قانونی، دادگاه و پلیس (فکوهی، ۱۳۸۶، ص ۲۸۲ و ۲۸۳)

بنابراین همزیستی بیمارگونه حاشیه‌نشینان و تشکیل خرده فرهنگ ناهنجار که مرتباً باز تولید می‌شود از عوامل زمینه‌ساز گرایش افراد به سوی

وجود آمده وعده‌ای شهرنشین و عده‌ای دیگر حاشیه‌نشین می‌شوند. شدت اختلاف بین این سکونت‌گاه‌ها به میزان شدت در تمرکزگرایی روابط اجتماعی باز می‌گردد.

هر چه از میزان تمرکزگرایی کاسته شود از گسترش و شدت اختلاف بین انواع سکونت‌گاه‌ها کاسته می‌شود. (زاهدانی، ۱۳۸۰، ص ۲۶ و ۲۵)

افراد حاشیه‌نشین با ویژگی‌هایی مانند جمعیت جوان، گسست اجتماعی غالب، فقر و به ویژه بد مسکنی در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی خصوصاً آسیب‌های ناشی از خرده نظام‌های سرمایه اقتصادی (ثروت) و سرمایه اجتماعی (تعهد و منزلت) قرار دارند. سرقت، تکیه‌گری، اختلاس، تخریب محیط زیست، قتل، پرخاشگری و خشونت از جمله شایع‌ترین آسیب‌های اجتماعی واقع در مناطق حاشیه‌نشین می‌باشد. اصولاً احتمال پیش گرفتن رفتاری که جنایی توصیف می‌شود نزد افرادی که میزانی ضعیف از پیوستگی با جامعه محلی را از خود نشان می‌دهند بیشتر است. در واقع ملاحظه می‌شود افرادی که برای قطبهای همسازی با اصول و ارزشهای پذیرفته شده و برای ایدئولوژی عمومی جامعه کلی اهمیت زیادی قائلند کمتر آمادگی پیش گرفتن چنین رفتاری را دارند. (میشل بست، ۱۳۷۲، ص ۵۷)



طبقه‌بندی کجروی از دیدگاه نظریه برجسب

(ستوده، ۱۳۸۴، ص ۱۵۱)

مشکلات اقتصادی علت عمده آسیب‌های اجتماعی قلمداد شده است، اقتصاددانان و بعضی از جامعه‌شناسان با مطالعاتی که انجام داده‌اند، منشأ عمده انحرافات اجتماعی را در عوامل اقتصادی اعلام کرده‌اند. از میان عوامل مختلف اقتصادی که منجر به انواع کجروی‌ها می‌گردند می‌توان از مشکلات اجتماعی که خود زاینده عوامل چون پس‌افتادگی فرهنگ غیرمادی نسبت به پیشرفت تکنولوژی و یا بحران اقتصادی و ضعف قدرت مالی و اقتصادی در یک دوره بخصوص، فقر و بی‌چیزی و زندگی در جایی که واقعا قابل سکونت نیست را نام برد. (فرجاد، ۱۳۸۳، ص ۱۱۵)

وجود خانه‌های ارزان‌قیمت، خیابان‌های تنگ و پرپیچ و خم و شلوغ، نبود مراکز تفریحی و گذران اوقات فراغت، فقر، عدم بهداشت مناسب، بی‌سوادی، نداشتن مهارت لازم جهت کار در کنار پیش داورهای و رفتاری‌های قالبی جامعه با این مناطق که همراه با برجسب‌زنی می‌باشد شرایط لازم را جهت کاهش مقاومت افراد در برابر آسیب‌های اجتماعی

استاکولز اظهار می‌کند که تراکم شرط لازم احساس ازدحام است اما شرط کافی نیست. او همچنین دو نوع ازدحام برمی‌شمارد. ازدحام غیراجتماعی که در آن فقط عوامل فیزیکی احساس کمبود فضا را ایجاد می‌کند (مثل کپسول فضایی) و ازدحام اجتماعی که بیش از هر چیز حاصل حضور بیش از حد افراد در فضا است. (آلتمن، ۱۳۸۲، ص ۱۸۴ و ۱۸۳)

نتیجه‌گیری

با توجه به موارد عنوان شده می‌توان نتیجه گرفت:

- ۱- حاشیه‌نشینی نتیجه سیاست‌های تمرکزگرا و ایجاد نابرابری‌های اجتماعی است.
- ۲- حاشیه‌نشینان افراد فقیر و کم درآمدی هستند که دارای مقاومت کمتری در برابر آسیب‌های اجتماعی می‌باشند.
- ۳- حاشیه‌نشینی آسیب‌های اجتماعی را باز تولید می‌کند.
- ۴- حاشیه‌نشینی دارای تبعات مثبتی مانند تجربه آغازین شهرنشینی، ضربه‌گیری در مقابل آسیب‌های احتمالی به کلانشهرها، کمک به تقسیم کار با شهر مادر و مشارکت فضایی با مادرشهر می‌باشد.
- ۵- ازدیاد آزادی‌های فردی به کم شدن جرایم خشن کمک می‌کند.
- ۶- برجسب‌زنی به مناطق حاشیه‌نشین مقاومت افراد را در برابر آسیب‌های اجتماعی کاهش می‌دهد.
- ۷- به دلیل تنوع فرهنگی و فقدان نظارت‌های اجتماعی محلات حاشیه‌نشین در معرض آسیب‌های اجتماعی بیشتری قرار دارند.
- ۸- تراکم و ازدحام در مناطق حاشیه‌نشین از عوامل مهم بروز آسیب‌های اجتماعی می‌باشد.

پیشنهادهای

با توجه به رشد روزافزون حاشیه‌نشینی که پیامد اتخاذ سیاست‌های غلط در بخش مسکن، اقتصاد تک محصولی، سیاست قطب رشد، تغییرات غیرمنطقی قیمت مسکن، عدم توجه به روستا و... می‌باشد، بدلیل لزوم جلوگیری از رشد آن جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- به جای برخورد حذفی با پدیده حاشیه‌نشینی به قبول واقعیت‌های موجود به دور از هرگونه پیشداوری پرداخته شود.
- ۲- با پذیرش آن در درون سیستم شهری خدمات رسانی در این مناطق را افزایش دهیم.
- ۳- با ایجاد مراکز فرهنگی و کارآفرینی فرآیند شهروند شدن افراد را تسریع بنخسیم.
- ۴- از بزرگنمایی آسیب‌های اجتماعی واقع شده و رسانه‌ای کردن آنها پرهیز نماییم.
- ۵- توجه جدی به سند توانمندسازی و عملیاتی کردن آن
- ۶- تجربه نشان داده عدم ارایه خدمات صرفاً محرومیت‌ها را گسترش داده و کمکی به حل مسایل نمی‌کند لذا سیاست‌های موجود نیازمند تعدیل می‌باشد.

ناهنجارهای اجتماعی است... با رونق ناهنجاری‌های اجتماعی در محلات حاشیه‌نشین برخی ضد ارزش‌ها به ویژه در زمینه تأمین معاش تبدیل به ارزش می‌شود و به دلیل فقر حاکم بر محلات حاشیه‌نشین و فقدان نظارت‌های اجتماعی، کم‌کم ناهنجاری‌های اجتماعی دامنه وسیع‌تری پیدا می‌کنند و باعث بدنامی این محلات در اذهان عمومی می‌گردد که خود این امر به همراه سایر عوامل باعث تشدید آسیب‌های اجتماعی می‌گردد.

محیط نامناسب محله می‌تواند در وقوع ناهنجاری‌های اجتماعی مؤثر باشد مانند وجود فضاهای خالی برای انجام اعمال مجرمانه یا نداشتن آسایش روانی در مسکن کوچک غیراستاندارد و شلوغ که باعث اختلالات روانی می‌گردد زمینه را برای ناهنجاری‌های اجتماعی فراهم می‌آورد. فقدان حسن همسایگی و نظارت‌های اجتماعی در محلات مهاجرپذیر، حاشیه‌نشینی را برای گمنامی بیشتر افراد و انحرافات اجتماعی فراهم می‌آورد. (حاتمی، ۸۷، ص ۱۴۹)

رابطه تراکم و ازدحام با آسیب اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین

تراکم جمعیت در مناطق حاشیه‌نشین می‌تواند باعث بروز ناهنجاری‌های اجتماعی گردد. عوامل بین فردی مرتبط با تراکم جمعیت با جنایت، بزهکاری جوانان و خشونت ارتباط دارد. اما همانطور که پژوهشگران اخیر اشاره می‌کنند تراکم به تنهایی حتی در سطح اجتماعی، علت عمده‌ای به شمار نمی‌رود.

تراکم زیاد در موقعیت‌های رو در روی اجتماعی احتمالاً باعث دشواری نظارت بر مرزها، تجاوز دیگران و عدم دسترسی به اهداف و منابع مطلوب یا پر هزینه بودن آنها می‌شود. پرخاشگری میان فردی، کناره‌گیری از خانواده، پیوند نزدیک با گروه همسن و سال‌ها و فعالیت جنایتکارانه ممکن است نتیجه هزینه‌ها و ناکامی‌های انباشته شده در درازمدت باشد. (آلتمن، ۱۳۸۲، ص ۲۳۱)

به طور کلی محیط‌های پر تراکم بیشتر با احساس عصبانیت، خصومت و بی‌علاقگی نسبت به دیگران همراه است. (آلتمن، ۱۳۸۲، ص ۲۱۵)

ازدحام نیز مانند تراکم باعث بروز آسیب‌های اجتماعی می‌گردد. ولی تمایز این دو دشوار می‌باشد.

استاکولز اخیراً بر تراکم و ازدحام تأکید بسیار کرده است. او تراکم را به معنای منحصرأ فیزیکی به کار می‌برد و آن را تعداد افراد در واحد فضا می‌داند ولی ازدحام را مفهوم روان‌شناختی توصیف می‌کند که بنایی تجربی و انگیزشی دارد... (ویژگی‌هایی را که استاکولز برای مشخص کردن ازدحام و وجه تمایز آن با تراکم برمی‌شمارد می‌توان در سه مورد خلاصه نمود) اول این که ازدحام واکنشی شخصی و ذهنی است و نه متغیر فیزیکی؛ دوم این که ازدحام حالتی انگیزشی است که غالباً به رفتاری هدفمند برای تخفیف ناراحتی منتهی می‌شود.

سوم این که ازدحام نتیجه احساس کمبود فضا است اما تراکم کیفیتی منحصرأ فیزیکی است، مفهوم روان‌شناختی ندارد و فقط به تعداد افراد در واحد فضا اشاره می‌کند.

فرم اشتراک

خواهشمند است به منظور دریافت مناسب فصلنامه
سپهر با انتخاب مدت اشتراک، مبلغ مورد نظر را
به حساب جاری ۱۵۷۱/۸۶ بانک سپه شعبه سازمان
جغرافیایی (۷۴۷) واریز و اصل رسید بانکی را
همراه با فرم تکمیل شده زیر با پست سفارشی به
آدرس: تهران، صندوق پستی ۳۳۵۸ - ۱۶۷۶۵
(سپهر - امور مشترکین) ارسال فرمایید.



نام و نام خانوادگی:

میزان تحصیلات:

شغل:

آدرس:

تلفن:

مدت اشتراک:

شماره اشتراک قبلی:

بهای اشتراک یکسال با احتساب هزینه پست سفارشی:

۵۰۰۰۰ ریال

منابع

- ۱- دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، ۱۳۸۸.
- ۲- شیخی، محمد، مدیریت شهری و سکونتگاه‌های خودرو در منطقه کلاتهری تهران، فصلنامه مدیریت شهری، ۱۳۸۵، شماره ۱۸، ص ۷۵.
- ۳- حاتمی نژاد، حسین، اسکان غیررسمی در جهان، مجله شهرداری‌ها، ۱۳۸۲، شماره ۵، ص ۱۹.
- ۴- بهشتی، آزاده، ده سال نانتقه صفر، روزنامه همشهری، ۱۳۸۵، شماره ۴۱۰۳، ص ۱۶.
- ۵- حاشیه‌های ویرانگر، روزنامه همشهری، ۱۳۸۵، شماره ۴۱۷۳، ص ۱۶.
- ۶- حاشیه‌نشینان فراموش شده‌اند، روزنامه همشهری، ۱۳۸۷، شماره ۴۷۶۹، ص ۵.
- ۷- عبادی نژاد، سیدعلی، نقش حاشیه‌نشینی در پروژنا امنی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ۱۳۸۳، شماره ۳، ص ۱۱۶.
- ۸- حاتمی، نادر، حاشیه‌نشینی و معضل بزهکاری، ماهنامه اصلاح و تربیت، ۱۳۸۷، شماره ۷۲، ص ۲۵.
- ۹- خاتم، اعظم، اطهاری، کمال، مدیریتی یکپارچه و حل مسئله اسکان غیررسمی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۶، ص ۳۳.
- ۱۰- گیدنز، آنتونی، صوری، منوچهر، جامعه‌شناسی، نشرنی، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۷.
- ۱۱- خرجاد، محمدحسین، آسیب‌شناسی کجروی‌های اجتماعی، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۸۳.
- ۱۲- ستوده، هدایت‌اله، آسیب‌شناسی اجتماعی، آوای نور، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۴.
- ۱۳- شهیدزاده دهاقانی، ناصر، برنامه‌ریزی شهری در ایران، دانشگاه علم و صنعت، چاپ ششم، ۱۳۸۵.
- ۱۴- فکوهی، ناصر، انسان‌شناسی شهری، نشرنی، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۵.
- ۱۵- هادی‌زاده پیراز، مریم، حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، شهرداری مشهد، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۱۶- میشل، است، ژان: مترجم وحید، فریدون، جامعه‌شناسی جنایت، آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- ۱۷- زاهدانی، سعید، حاشیه‌نشینی، دانشگاه شیراز، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
- ۱۸- آلمن، ایروین، نمازیان، علی، محیط و رفتار اجتماعی، شهید بهشتی، ۱۳۸۲.

پی‌نوشت

- 1- Informal Settlements
- 2- Low Income Settlements
- 3- Semi Permanent Settlements
- 4- Shanty town
- 5- Spontaneous settlements
- 6- Unauthorized settlements
- 7- Uncontrolled settlements
- 8- Marginal settlements
- 9- Irregular settlements
- 10- Slum